استاند، مبدأ تعیین متلِف و تالفی

شاگرد: فرض کنید نظریه تأمین خسارت باشد؛ مثلاً اگر جوهر نمک و وایتکش را با هم مخلوط کنند، گاز خردل می‌شود و طرف می‌میرد. می‌گویند اگر کارخانه نوشت که نباید این دو مخلوط شوند، اگر شکایت کرد، کارخانه جرمی ندارد. ولی اگر ننوشت جرم دارد. چون اصلاً کاری به استاند ندارند. می‌گویند این جبران خسارت است. ای گارانتی. یعنی ما نباید از این‌ها بحث کنیم که نظریه جرم شناسی نظام شریعت ما چیست. تأمین خسارت است؟ استاند است؟ گارانتی است؟ این‌ها مقدم بر موضوع شناسی نیست؟

استاد: شما الآن واژه‌هایی را به کار بردید. گفتید تأمین خسارت و استاند. جلسه قبل عرض کردم این‌ها از یک وادی نیستند و مانعة الجمع نیستند که بگوییم این یا آن. استاند، مبدأ این است که چطور خسارت را جبران کنیم. یعنی اول باید استاند را صاف کنیم و وقتی استاند شفاف شد و فهمیدیم که این تلف مستند به چه چیزی است، حالا بگوییم چیزی که تلف مستند به او است، چطور باید جبران خسارت بکند. الآن در اینجا شما می‌گویید «اگر نوشته و اگر ننوشته». چرا این تفصیل را می‌دهید؟ چون جایش بوده که بنویسد. اگر ننوشته و حال اینکه جایش بوده که بنویسد، پس کور شدن آن شخص مستند به او است. حالا که مستند است باید جبران خسارت کند. دو باب هستند.

البته من سه چیز را مطرح کردم؛ گفتم مثلث متلِف، تالف و تالفی. استاند، مبادی روشن کردن متلف است. می‌خواهد متلف را معین کند که چه کسی است و در کجاست. تالفی نحوه جبران کردن خسارت است، اما بعد از اینکه متلف را با استاند مشخص کردیم.

شاگرد: یعنی ممکن نیست که بگوییم ای مستند نیست ای درجه استاندش خیلی کم است، ولی باید جبران خسارت بکند.

استاد: این چیزی است که الآن می‌خواهم عرض کنم. ببینید در جلسه قبل عرض کردم استاند، عرضاً توزیع پذیر است. مثلاً در فقه می‌گوییم اشتراک در قتل؛ اگر دو نفر با هم کسی را بکشند هر دو قصاص می‌شوند. چون این قتل مستند به دو نفر در عرض هم است. استاند عرضی، توزیع پذیر است و باید آن را جبران کنند. اما مطلب مهم دیگری در استاند که بخش وسیعی از فقه را می‌گیرد، استاند طولی است. استاند طولی به چه معنا است؟ یعنی مطالبی هست که در فقه و جاهای مختلف می‌گوییم: تسبیب و مباشرت. یعنی یک چیزهایی و روالی طی می‌شود تا منجر به تلف می‌شود. وقتی نگاه می‌کنید آن جزء اخیر مباشر اتلاف است اما قبلی‌ها هم دخالت دارند. به این، تسبیب و مباشرت می‌گوییم. دو جای فقه که خیلی روشن از تسبیب و مباشرت بحث شده، یکی در کتاب غصب است و یکی در کتاب دیات است. ولی در جاهای دیگر هم آمده است. این تسبیب و مباشرت بود، اما مسأله اقوائیت هم مطرح است و آن همین چیزی است که الآن شما گفتید. شما نمی‌توانید بگویید استاند ضعیف است؛ ما استاند را دقیقاً بررسی می‌کنیم و بعد می‌گوییم مباشر اقوی است. استاند ضعیف طولی تسبیبی کنار می‌رود. تسبیب دارد ولی چون ضعیف است کنار می‌رود. اما یک جای دیگر می‌گوییم در اینجا سبب از مباشر اقوی است. یعنی

استانداردهای که برقرار بود، در اینجا اقوی، آن است و ضمان بر او قرار می‌گیرد. پس مسأله استانداردهای، بحث گسترده تسبیب و مباشرت و اقوائیت را در فقه مطرح می‌کند.

بازبینی #3
ایجاد شده 15 ژانویه 2024 11:52:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 12:45:29 توسط ... .